

نقش تأمین اجتماعی در ترویج چشم‌انداز صفر

مدیرکل امور بین‌الملل سازمان تأمین اجتماعی می‌گوید توسعه پیشگیری در محیط‌های کاری، گامی مؤثر برای حفظ سلامت نیروی کار است

یادداشت



سیدابوالفضل اشرف منصورى

رئیس‌کانون سراسرى انجمن‌های صنفی ایمنی و بهداشت کار کشور

ایمنی کار نیازمند مشارکت اجتماعی

در ادبیات کلاسیک روابط کار، «سه‌جانبه‌گرایی» همواره به عنوان الگوی اصلی تنظیم مناسبات کار و تضمین ایمنی محیط‌های شغلی معرفی شده است؛ الگویی که در آن دولت، کارفرمایان و کارگران سه ضلع اصلی مدیریت کار به شمار می‌آیند. با این حال، تحولات سال‌های اخیر و آمارهای نگران‌کننده جهانی نشان می‌دهد که این ساختار به تنهایی پاسخگوی پیچیدگی‌های امروز بازار کار نیست. سازمان بین‌المللی کار گزارش می‌دهد که در جهان، هر پانزده ثانیه یک کارگر جان خود را در اثر حوادث یا بیماری‌های ناشی از کار از دست می‌دهد. چنین آماري بیاگر آن است که حتی در چارچوب‌های حقوقی پیشرفته نیز بدون مشارکت گسترده‌تر نهادهای تخصصی، ایمنی محیط کار به سطح مطلوب نمی‌رسد. تجربه بسیاری از کشورهای توسعه‌یافته نشان می‌دهد که ورود فعال تشکلی‌های غیردولتی تخصصی در حوزه ایمنی و بهداشت حرفه‌ای، به عنوان ضلع چهارم «این معادله، نقشی تعیین‌کننده در کاهش حوادث داشته است. در ایران نیز اگرچه قوانین بالادستی و آیین‌نامه‌های متعددی در حوزه حفاظت فنی و بهداشت کار وجود دارد و شورای عالی حفاظت فنی مسئول سیاست‌گذاری در این حوزه است، اما تکرار حوادث تلخ در محیط‌های کاری نشان می‌دهد که فاصله‌ای میان قانون و اجرا باقی مانده است. رخدادهایی مانند حادثه معدن طیس تنها نمونه‌ای از زنجیره‌ای از حوادثی است که هر بار ضرورت بازنگری در سازوکارهای پیشگیری را یادآور می‌شود. یکی از حلقه‌های مغفول در این میان، نادیده گرفتن نقش تشکلی‌های تخصصی ایمنی در فرآیندهای تصمیم‌سازی و نظارتی است. در حالی که انجمن‌های صنفی فعال در این حوزه از متخصصان و کارشناسانی تشکیل شده‌اند که به واسطه تجربه میدانی، توانایی تحلیل سناریوهای وقوع حادثه و ارائه راهکارهای پیشگیرانه را دارند، جایگاهی برای حضور آنان در ساختارهایی مانند شورای عالی حفاظت فنی پیش‌بینی نشده است. چالش دیگر، محدودیت ظرفیت نظارتی دستگاه‌های رسمی است. با وجود هزاران کارگاه فعال در کشور و پراکندگی جغرافیایی آنها، شمار بازرسان کار امکان نظارت مستمر و فراگیر را فراهم نمی‌کند. در چنین شرایطی، تشکلی‌های غیردولتی تخصصی می‌توانند به عنوان بازوی کمکی نهادهای دولتی عمل کنند و به نوعی «چشم‌بینای» نظام نظارتی باشند. تجربه کشورهایمانند ژاپن نشان می‌دهد که مشارکت خلاقانه این تشکلی‌ها در آموزش، پایش و گزارش دهی خطرات محیط کار، به شکل چشمگیری از میزان حوادث کاسته است. حتی گزارش‌های بین‌المللی نشان می‌دهد حضور مؤثر چنین نهادهایی می‌تواند دست کم بیست درصد از حوادث شغلی را کاهش دهد. با این همه، موانعی جدی بر سر راه چنین مشارکتی وجود دارد. نگاه سنتی که ایمنی را صرفاً امری حاکمیتی می‌داند، ترس کارگران از پیامدهای گزارش حادثه، وقفه در آموزش‌های ایمنی و وابستگی تفاهم‌نامه‌ها به اشخاص مدیریتی، همکاری پایدار را دشوار کرده است.

مهرین داوری

روزنامه نگار



به گفته مدیرکل امور بین‌الملل سازمان تأمین اجتماعی، تجربه‌های جهانی نشان می‌دهد

مؤثر از حوادث شغلی می‌تواند همزمان سلامت کارگران و پایداری اقتصادی بنگاه‌ها را تقویت کند

در کاهش این خسارت‌ها ایفا کند. به گفته او، پوش «چشم‌انداز صفر» یکی از مهم‌ترین ابتکارهای جهانی برای تحقق محیط‌های کار ایمن‌تر است؛ رویکردی که سازمان تأمین اجتماعی نیز تلاش کرده آن را در فضای سیاست‌گذاری و فعالیت‌های تخصصی کشور معرفی و تقویت کند.

چالش‌های نوین ایمنی کار

تحولات پرشتاب اقتصاد جهانی، ساختار بازار کار را دگرگون کرده و مخاطرات تازه‌ای در محیط‌های کاری پدید آورده است. گسترش مهاجرت نیروی کار، تغییرات جمعیتی، توسعه فناوری‌های نو و رشد الگوهای تازه اشتغال همچون فعالیت‌های اینترنتی و مجازی، همگی شرایطی ایجاد کرده‌اند که مدیریت ایمنی و بهداشت شغلی را پیچیده‌تر از گذشته ساخته است. حسین مشیری‌تبریزی در گفت‌وگو با آتیه‌نو توضیح می‌دهد که چنین شرایطی ضرورت توجه جدی‌تر به سیاست‌های پیشگیرانه را آشکار می‌کند. او می‌گوید

پوش «چشم‌انداز صفر» در حقیقت یک استراتژی بلندمدت برای ارتقای ایمنی محیط کار است؛ راهبردی که بر بهبود تدریجی شرایط کار و کاهش مستمر مخاطرات شغلی تأکید دارد. مشیری‌تبریزی تأکید می‌کند دستیابی به محیط کاری بدون حادثه تنها زمانی ممکن خواهد بود که ایمنی، سلامت و رفاه نیروی کار به صورت هم‌زمان در سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌های اجرایی مورد توجه قرار گیرد. بر همین اساس، چشم‌انداز صفر صرفاً یک شعار نیست، بلکه نقشه راهی برای سازمان‌ها و بنگاه‌های اقتصادی به شمار می‌رود. گفته‌های مدیرکل امور بین‌الملل سازمان تأمین اجتماعی نشان می‌دهد انعطاف‌پذیری این رویکرد یکی از مهم‌ترین مزیت‌های آن است. هر سازمان می‌تواند متناسب با شرایط و اولویت‌های خود در حوزه ایمنی یا سلامت شغلی، برنامه‌های پیشگیرانه را طراحی و اجرا کند. چنین ویژگی باعث شده این پوشش در صنایع مختلف و در بسیاری از کشورهای جهان مورد استقبال قرار گیرد.

چرا حوادث کار همچنان تکرار می‌شوند

بسیاری از حوادث محیط کار در حالی رخ می‌دهند که قابل پیشگیری‌اند؛ اما ترکیب نظارت محدود، آموزش ناکافی و بی‌توجهی به استانداردها، ایمنی را در بسیاری از کارگاه‌ها به مسئله‌ای حاشیه‌ای بدل کرده است

حوادث کار در ایران همچنان یکی از تلخ‌ترین و در عین حال قابل پیشگیری‌ترین واقعیت‌های بازار کار به شمار می‌رود؛ واقعیتی که هر سال جان کارگران را می‌گیرد و خانواده‌هایی را با رنج‌های جبران‌ناپذیر روبه‌رو می‌کند. با وجود آنکه بخش عمده‌ای از این حوادث بر پایه استاندارد‌های شناخته‌شده ایمنی قابل مهار است، چرخه تکرار همچنان ادامه دارد. پرسش اساسی این است که گلوگاه اصلی کجاست: ضعف قوانین، پایین بودن هزینه جریمه‌ها یا ناکارآمدی نظارت‌ها؟ حمید حاج‌اسماعیلی، فعال بازار کار، در گفت‌وگو با آتیه‌نو بر این باور است که مسأله را باید فراتر از متن قانون و حتی سازوکارهای نظارتی جست‌وجو کرد. او تأکید می‌کند آموزش و فرهنگ‌سازی حلقه مفقوده‌ای است که بدون آن، هیچ ماده قانونی و هیچ ابزار بازدارنده‌ای اثر پایدار نخواهد داشت. به گفته او، مادامی که رعایت استاندارد‌های ایمنی به یک باور درونی و فرهنگ مشترک میان دولت، کارفرما و کارگر تبدیل نشود، آمار حوادث نیز چهره‌ای کاشی به خود نخواهد گرفت.

بازار کار آشفته امروز

حاج‌اسماعیلی تحلیل خود را با ترسیم تصویری از وضعیت کنونی بازار کار آغاز می‌کند. به باور او، بازار کار ایران در سال‌های اخیر هم محدودتر شده، هم دستخوش تغییرات جدی بوده و هم نوعی به هم‌ریختگی را تجربه کرده است؛ شرایطی که بخشی از آن به تحولات سیاسی و تنش‌های منطقه‌ای بازمی‌گردد. چنین فضایی بر کیفیت اشتغال و سطح نظارت نیز اثر گذاشته است. کارگاه‌های ساختمانی همچنان در صدر آمار حوادث قرار دارند. او یادآور می‌شود که ساخت‌وساز در ایران حجمی غیرمتعارف دارد و بخش مهمی از آن به سوداگری و واسطه‌گری پیوند خورده است. سودآوری این حوزه، انگیزه ورود گسترده سرمایه‌ها را فراهم کرده، اما هم‌زمان نظارت کیفی و ایمنی را به حاشیه رانده است. رکود مقطعی ساخت‌وساز شاید از شدت برخی حوادث کاسته باشد، اما ساختار پرریسک این بخش همچنان پابرجاست.

کار نیست و تنها پس از وقوع حادثه و در چارچوب بیمه‌ای ورود می‌کند. چنین وضعیتی موجب می‌شود نقش بازدارندگی پیشینی کم‌رنگ بماند. نفوذ و ارتباطات برخی کارفرمایان، دشواری پیگیری حقوقی برای کارگران و ناهماهنگی میان نهادهای مرتبط نیز به تضعیف اثر نظارت‌ها انجامیده است. او در باره عملکرد برخی شرکت‌های فعال در حوزه HSE نیز انتقادهایی جدی مطرح می‌کند. به گفته وی، بخشی از این شرکت‌ها بیش از آنکه بر تخصص حرفه‌ای تکیه کنند، بر اخذ مجوز و قراردادهای صوری تمرکز دارند. آزمایش‌های بدو استخدام و معاینات ادواری گاه شکلی تشریفاتی به خود می‌گیرد و پرونده‌های پزشکی بدون آنکه نقش واقعی در پیشگیری داشته باشند، صرفاً تکمیل می‌شوند. چنین روندی نه تنها کمکی به ارتقای ایمنی نمی‌کند، بلکه اعتماد عمومی را نیز خدشه‌دار می‌سازد.

راهکار بنیادین پیشگیری

حاج‌اسماعیلی در جمع‌بندی تحلیل خود بر یک محور کلیدی تأکید می‌کند: آموزش و فرهنگ‌سازی باید به اولیوی فراتر از قانون و نظارت تبدیل شود. او باور دارد هیچ سازوکار حقوقی بدون نهادینه‌شدن فرهنگ ایمنی به نتیجه پایدار نمی‌رسد. فرهنگ‌سازی به معنای آن است که رعایت استانداردهای ایمنی به یک ارزش مشترک و باور درونی تبدیل شود؛ ارزشی که هم کارفرما و هم کارگر نسبت به آن احساس مسئولیت کنند. آموزش‌های مستمر در سطوح حاکمیتی، مدیریتی و کارگاهی می‌تواند زمینه‌ای تحول را فراهم کند. این فعال بازار کار ضعف را منحصر به یک ضلع نمی‌داند. دولت در حوزه سیاست‌گذاری و نظارت با چالش روبه‌روست. کارفرمایان گاه ایمنی را هزینه‌ای اضافی تلقی می‌کنند و کارگران نیز به دلیل نبود آگاهی یا قدرت پیگیری، نقش مطالبه‌گر فعالی ایفا نمی‌کنند. همکاری هدفمند این سه ضلع، شرط اساسی کاهش حوادث است.